

## باسمه تعالی

۲ ..... **مخصص در ماده افتراق است**

۲ ..... **قسم اول: مخصص تنها برای یکی از دو عام من وجه است**

۲ ..... **قسم دوم: مخصص برای هر دو عام من وجه است**

۲ ..... **سرایت تعارض از عمومات به خصوصات**

۳ ..... **مرحوم نائینی و صدر: تعارض تنها در عمومات است**

۳ ..... **مرحوم خویی و استاد: تعارض به خصوصات سرایت می کند**

۳ ..... **اشکال شهید صدر به کلام مرحوم خویی**

**موضوع: صور تعارض / انقلاب نسبت / تعادل و ترجیح**

### خلاصه مباحث گذشته:

بحث در بیش از دو دلیل سه صورت اصلی داشت که هر یک نیز حالاتی دارد: صورت اول بحث عام و خصوصات متعدد بود که بیان شد.

صورت دوم دو عام من وجه و مخصص برای یک یا هر دوی آنها و صورت سوم دو متباین و مخصص برای یک یا هر دوی آنها.

بحث در صورت دوم بود که بیان شد چهار حالت متصور است؛ زیرا مخصص یا در ماده افتراق است یا در ماده اجتماع؛ و هر یک دو حالت دارد یا مخصص برای هر دو عام است یا برای یکی از دو عام.

حکم دو حالتی که مخصص برای ماده اجتماع باشد بیان شد و گفتیم که اگر مخصص در ماده اجتماع باشد، حل تنافی می شود و تفاوتی نمی کند که مخصص برای یکی از دو عام یا برای هر دو عام باشد؛ مثلاً اکرم کل عالم و لا تکرّم الفاسق که دو عام من وجه هستند و دلیل سومی مانند یکره اکرام العالم الفاسق مخصص هر دو عام من وجه قبلی است بنابر این نتیجه پس از تخصیص هر دو عام این می شود که اکرام عالم عادل واجب و اکرام فاسق جاهل حرام و اکرام عالم فاسق مکروه می شود. در برخی موارد نیز مخصص برای یکی از دو عام است مثل اینکه در مثال مذکور، مخصص لا یجب اکرام العالم الفاسق باشد که در این صورت فقط مخصص عموم دال بر وجوب نسبت به عالم فاسق است؛ زیرا دلیل لا یجب، تنها منافات با دلیل وجوب دارد و منافاتی با دلیل حرمت ندارد پس تنها مخصص دلیل وجوب خواهد شد و پس از تخصیص و رفع حجیت دلیل وجوب نسبت به عالم فاسق، عموم دال بر حرمت اکرام فاسق در این مورد بلا معارض جاری خواهد شد.

## مخصص در ماده افتراق است

اگر مخصص در ماده افتراق باشد، یعنی دو عام من وجهی است که هر دو یا یکی از آنها مخصص دارد.

### قسم اول: مخصص تنها برای یکی از دو عام من وجه است

اگر یکی از دو عام من وجه مخصص داشته باشد، مورد اصلی برای فرض انقلاب نسبت است مانند يستحب اكرام كل عالم و يكره اكرام الفاسق و مخصص يستحب اكرام العالم العادل که تنها مورد افتراق دليل استحباب را تخصيص زده است و در اینگونه موارد بنابر انقلاب نسبت؛ دليل استحباب مختص به عالم فاسق شده و در نتیجه اخص مطلق از دليل کراهت خواهد شد و لذا در مورد عالم فاسق حکم به استحباب اكرام می کنیم.

البته در صورتی فرض انقلاب نسبت محقق می شود که مخصص، تمامی مورد افتراق را خارج کند و الا در غیر این صورت نسبت بین دو عام من وجه منقلب نخواهد شد مثل اینکه در مثال مذکور، مخصص دليل استحباب، يجب اكرام العالم العال الهاشمی باشد که در این صورت حتی پس از تخصيص دليل استحباب نیز نسبت بین دو دليل تغییری نمی کند.

### قسم دوم: مخصص برای هر دو عام من وجه است

گاهی نیز مخصص برای هر دو عام من وجه است مثل اینکه يستحب اكرام كل عالم و يكره اكرام الفاسق که نسبت بین آنها عموم من وجه است و دو مخصص است یکی يجب اكرام العالم العادل که مخصص دليل استحباب است و دیگری يحرم اكرام الفاسق الجاهل. بنابر این دو نتیجه هر دو عام من وجه پس از تخصيص، متمرکز در مجمع خواهد شد یعنی دليل استحباب و دليل کراهت هر دو مختص به عالم فاسق خواهد شد و لذا تعارض بین دو عام مستقر خواهد شد و در این بحث تفاوتی بین قول به انقلاب نسبت یا انکار آن نیست؛ زیرا همان تعارضی که قبل از تخصيص بوده بعد از تخصيص نیز باقی خواهد ماند و مخصصات تنها موجب استقرار تعارض شدند.

### سرایت تعارض از عمومات به خصوصات

بحث در این است که تعارض بین دو عام آیا به خصوصات نیز سرایت می کند یا اینکه تعارض تنها بین عمومات است.

**مرحوم نائینی و صدر: تعارض تنها در عمومات است**

مرحوم نائینی و به تبع ایشان شهید صدر فرموده اند که بین خصوصات هیچ تنافی وجود ندارد و موضوع آنها متفاوت است؛ زیرا یکی از مخصصات یجب اکرام العالم العادل و مخصص دیگر یحرم اکرام الفاسق الجاهل است که تنافی با یکدیگر ندارند و لذا اطلاق دلیل حجیت هر چند که شمولش برای عمومات به سبب معارضه ممکن نبود اما شامل خصوصات می شود.

**مرحوم خویی و استاد: تعارض به خصوصات سرایت می کند**

مرحوم خویی در مقابل فرموده اند که تعارض از عمومات به خصوصات سرایت کرده و لذا خصوصات نیز اطراف معارضه خواهند بود که به نظر ما همین نیز صحیح است

دلیل مرحوم خویی این است که ملاک تعارض علم اجمالی به کذب است و در این صورت علم اجمالی به کذب یکی از چهار دلیل وجود دارد و لذا اگر هر یک از چهار دلیل (عمومات و خصوصات) مرتفع شود تعارض مرتفع می شود؛ زیرا اگر یکی از دو عام نباشد که تعارضی تصور نمی شود و اگر هم یکی از مخصصات نباشد بنابر انقلاب نسبت؛ همانطور که سابقا بیان شد، نسبت بین دو عام من وجه به عموم و خصوص مطلق منقلب شده و تعارض مرتفع می شود.

بنابر این طبق قول به انقلاب نسبت، تمامی عمومات و خصوصات داخل در معارضه هستند و وجهی برای اختصاص تعارض به عمومات وجود ندارد.

**اشکال شهید صدر به کلام مرحوم خویی ۲**

اشکال نقضی: در موردی که دو عام متباین است مثل یستحب اکرام العالم و یکره اکرام العالم، اگر هر دو مخصص داشته باشد و مخصصات نیز یک موضوع داشته باشند مثلاً یک دلیل لا یستحب اکرام العالم الفاسق که مخصص دلیل استحباب و دلیل دیگر لا یکره اکرام العالم الفاسق که مخصص دلیل کراهت است و لذا هر یک از مخصصات تنها مخصص یکی از دو دلیل است.

در این مورد مرحوم خویی تعارض را تنها بین دو عام می داند یعنی به هر دو خاص عمل می کنیم و در مورد عالم فاسق می گوئیم لا یستحب و لا یکره اکرام العالم الفاسق؛ در حالیکه در این مورد نیز مانند محل بحث، هر یک از متباینین یا خصوصات که مرتفع شود، تعارض از بین خواهد رفت؛ زیرا اگر یکی از خصوصات مرتفع شود، نسبت بین دو متباین پس از تخصیص، تبدیل به عام و خاص مطلق می شود.

۱ مصباح الاصول، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۳، ص ۴۰۰.

۲ بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج ۷، ص ۲۹۹.

اشکال حلی: در عموم من وجه علم اجمالی به کذب منحل می شود به علم تفصیلی به کذب یکی از عمومات و شک بدوی در کذب یکی از خصوصات و چون علم اجمالی در خصوصات منحل است، سرایت از عمومات به خصوصات صحیح نیست.